

همنوایی با زمانه

گروه همنوایان (بداهه‌نوازی و اجرای قطعاتی از حسین علیزاده)

همنوازان: حسین علیزاده (تار و سه‌تار)، ارشد تهماسبی (تار)، داریوش زرگری (تنبک)، بهروز همتی (تار)، فریبرز عزیزی (تار)، محمدرضا ابراهیمی (تار)، ایرج طباطبایی (تنبک).
زمان اجرا: ۱۸، ۱۹، ۲۰ آبان ۷۲ (تالار وحدت) و ۹، ۱۰، ۱۲ آذر ۷۲ (فرهنگسرای بهمن).

برنامه با بداهه‌نوازی حسین علیزاده (سه‌تار) و داریوش زرگری (تنبک) در گوشه‌های چهارگاه آغاز می‌شود. نخستین مضراب‌ها نوید شنیدن چهارگاهی متفاوت را به شنونده می‌دهد. اجرای گوشه‌ها و دیگر قطعات ضربی، با وجود تنوع فراوان ریتم و رنگ‌آمیزی گوناگون ملودی، از انسجام ویژه‌ای برخوردار است و چنان فضا و حسی تازه از چهارگاه ارائه می‌دهد که شنونده را از آغاز تا پایان کار به همراه خود می‌برد. علیزاده با آن که از محضر استادان سه‌تار نواز بزرگی چون سعید هرمزی و یوسف فروتن کسب فیض کرده است اما هرگز به تکرار آن آموخته‌ها و تقلید شیوه‌های اجرایی مریبان خود نمی‌پردازد. سلوک و رفتار او با سه‌تار، سلوک و رفتاری دیگر است. تمرکز و انتظار فرارسیدن لحظه آغاز در بداهه‌نوازی، شیوه‌ای است که او ابتدا خودش را می‌یابد و آن‌گاه طنین آمرانه نغمه‌هاست که هم بداهه‌نواز و هم شنونده را اسیر لحظه‌های ناب موسیقی می‌کند. این موسیقی پژواک زمانه را در بردارد و طنین نغمه‌های آن، غوغای درون بداهه‌نواز را بیان می‌کند. سرعت، قدرت و روانی مضراب اگرچه از ویژگی‌های تکنیکی ساز علیزاده است اما رمز آفرینش آن لحظه‌های ناب، تنها همین تکنیک نیست. تکنیک را می‌توان با سالها تمرین و ممارست



به دست آورد. شَمّ موسیقیایی، قدرت تمرکز، تخیل و آفرینش هنری است که خلق در لحظه را در بداهه‌نوازی میسر می‌سازد و هنرمند می‌تواند تکنیک و شیوه بیان خویش را از درون همین لحظه‌ها به چنگ آورد. آنچه که شیوه کار و اجرای عزیززاده را از دیگران ممتاز می‌نماید تلاشی است که بر سر این مراقبه و سلوک و رفتار نهاده است. بداهه‌نوازی چهارگاه با قطعه پر تحرک و شنیدنی «پایکوبی» به فرجام می‌رسد. این قطعه که ریتمی متنوع و پیچیده و مضراب‌هایی بسیار دشوار و در نوع خود تماشایی دارد با ترنم آرام و جلوه ناتمام نغمه‌ای آشنا و شادی‌بخش آغاز می‌شود. احساسی که از شنیدن این قطعه به شنونده منتقل می‌شود ترکیبی غریب از شادی و اندوه است. قطعه «پایکوبی» به اعتبار ریتم جوشان و خروشان خویش و اشاراتی که به تصنیف معروف «مبارک‌باد» (یا «عروسی») دارد، شاد می‌نماید اما روایت عزیززاده روایتی داغ‌دار و دردآلود است. هلهله و فریاد شادی‌اش، لحنی سوکوار دارد و گویی بغضی گلوگیر راه را بر ترنم شادی‌بخش نغمه‌ها می‌بندد. عزیززاده با ترکیب مضراب‌های سه‌تار و تنبور و ترکیب نت‌های موازی در اجرای این قطعه، نوعی موسیقی چندصدایی را القا می‌کند و با الهام از شیوه‌های اجرایی سازهای بومی و با ترکیب مناسب ریتم و ملودی، رنگ‌آمیزی بسیار زیبایی را با همراهی تنبک به‌وجود آورده است. نقش تنبک به عنوان یک ساز مستقل و هم‌نواز را در این بداهه‌نوازی نمی‌توان نادیده گرفت. شیوه نوازندگی تنبک بی‌گمان در دو یا سه دهه اخیر پیشرفت شایانی کرده است. شادروان حسین‌تهرانی، راهگشا بود و بهمن رجبی با نوآوری‌های خویش، موجب تکامل و دگرگونی در شیوه نوازندگی این ساز شد. اما مسأله

ذهنیت بسیاری از نوازندگان این ساز (یعنی عدم درک ریتم، تغییر ریتم و خلق ریتم هنگام بداهه‌نوازی) هنوز هم یکی از موانع‌رهای آنان از قید ریتم‌های محدود و کلیشه‌ای است. این بداهه‌نوازی نشان داد که می‌توان از قید محدودیت‌ها رها شد و فضاهای فراختری را جستجو کرد. داریوش زرگری با درک این موقعیت و در نخستین گامها، اجزایی موفق داشت. او اگر به آن فراخنایی که اشاره شد بیشتر بیندیشد بدون تردید گام‌های استوارتری بر خواهد داشت.

بخش دوم برنامه به بداهه‌نوازی ماهور - براساس ساخته‌های حسین علیزاده - اختصاص داشت. اجرای این بداهه‌نوازی را علیزاده، ارشد تهماسبی، بهروز همتی، فریبرز عزیزی با تار، و داریوش زرگری و ایرج طباطبایی با تنبک به عهده داشتند. جز ایرج طباطبایی، همه اعضای گروه از شاگردان علیزاده‌اند - ارشد تهماسبی، ردیف و سبکهای مختلف نوازندگی را در دانشکده هنرهای زیبا زیر نظر او آموخته و در چندین اجرا با او همکاری داشته است - و بعضی از آنها برای اولین بار روی صحنه آمده‌اند. با این حال، کار گروه از نظر هماهنگی، ارتباط حسی و تسلط در اجرای قطعه‌ها بسیار خوب و موفق بود. بسیاری از قطعه‌هایی که در این بخش اجرا شد (مانند طلوع، فغان و رقصان) از ساخته‌های قدیمی علیزاده هستند اما حال و هوای اجرای آنها نو و امروزی بود. در میان این قطعه‌ها، دو قطعه «دگره مرغ سحر» و «فغان» شور و حالی دیگر و اجرایی گیراتر داشتند. «دگره مرغ سحر» برداشت یا روایتی تازه از تصنیف معروف «مرغ سحر» اثر شادروان مرتضی‌نی‌داود و منطبق بر ملودی همان تصنیف است. تنظیم علیزاده و همدلی گروه در اجرای این قطعه، بیان‌گر روح و مفهوم کلی تصنیف با زبان موسیقی به شیوه‌ای نو و شورانگیز بود. قطعه «فغان» اثری توصیفی است و آهنگساز برای بیان مقصود خود از گوشه عراق ماهور استفاده‌ای ظریف و آگاهانه کرده است. گوشه عراق هم حالتی نزدیک به آواز اصفهان دارد که محزون است و هم از ماهور مایه می‌گیرد که با شور و هیجان است. تضاد این دو حالت و ترکیب ریتمیک متضادی که با فضا سازی تنبک‌ها در قطعه «فغان» به وجود می‌آید، احساس بسیار عمیق و موثری را در شنونده برمی‌انگیزد. در مجموع، بداهه‌نوازی چهارگانه و ماهور، موسیقی بالنده و پراحساسی است که در بستر موسیقی ملی ایران - به ویژه حوزه موسیقی سازی آن - جاری و روان است. علیزاده با اشاره به تجربه‌هایی از این دست معتقد است: «... موسیقی اگر صرفاً بخواهد در چارچوب اوزان شعری حرکت کند و ریتم آن به شعر وابسته باشد، حتی پستی و بلندی‌های ملودی در حد صدای انسان و خواننده محدود می‌شود و آن موسیقی دچار بحران و قیدوبند می‌شود... ردیف‌های موسیقی ما حتی در بخش ردیف‌های سازی به نوعی آوازی است. یعنی نوازنده در واقع آن ردیف‌ها را بدون کلام اجرا می‌کند و این برای موسیقی سازی یک محدودیت بسیار بزرگ است... اگر ریتم را در موسیقی ایرانی مختص به دو چهارم و سه چهارم و شش هشتم ندانیم و آن را آزاد بگذاریم این امر باعث می‌شود که ذهنیت آهنگساز و نوازنده باز شود و او بتواند ایده‌هایش را در فرم‌های جدید و آزاد ارائه کند» (روزنامه همشهری، ۲۸ آذر ۱۳۷۲).

شیوه کار علیزاده در این اجرائیز نشان می دهد که او موسیقی دانی جستجوگر و پویاست. روند تکاملی موسیقی او فرازهای بسیار و نشیب های انبندک داشته است. او با درک ضرورت زمانه، برخورداردی انتقادی با سنت دارد. از آنجا که اهل تقلید نیست، موسیقی اش را در وزن ها و قالب های کهنه یا تکراری نمی ریزد. وزن و ریتم در آثار او جایگاه ویژه ای دارد و تابعی از خلاقیت و درک موسیقایی اوست. بی آن که به بهانه حفظ میراث گذشته، در پس پشت سنگر سنت، عرفان و تأویل های گوناگون پنهان شود و در پی حفظ و اشاعه چیزی باشد که دیگر نمی توان حفظش کرد و اشاعه اش داد؛ در پی درک مضمونی تازه از آن میراث است: در پی شکافتن سنت، کشف مفهومی تازه، رنگی تازه، وزنی تازه و آوایی تازه. موسیقی ایرانی امروز بر سر دوراهی انتخابی دشوار قرار گرفته است که یک راه آن به سوی سنت یا میراث گذشته می رود و راه دیگر به سوی تجدد یا همگامی با زمانه. پاسداری میراث گذشته تنها در تکریم و تشییع پیکر فرم ها و قالب های کهن خلاصه نمی شود. سنت، آن گاه ارجمند و زنده است که میراث آن مردم مضمونی تازه پذیرد و بازآفرینی شود. علیزاده در مقام موسیقی دان جستجوگر، بر تفسیر و تأویل های متولیان سنت و بت های آنان می شورد و تن به کرنش در برابر تابوهای آنها نمی دهد.

ره آورد او در این خطر کردن ها، تجربه هایی بسیار باارزش و ماندگار است که در شمار برجسته ترین آثار موسیقی نوین ایران قرار دارد و برخلاف بعضی داورای های مغرضانه، برپایه و اساس موسیقی سنتی و ملی ایران شکل گرفته است. او از این آزمون دشوار، سر بلند بیرون خواهد آمد و گوهر موسیقی اش باز هم صیقل خواهد خورد و جلا خواهد یافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سررسید نامه سال ۱۳۷۳ خورشیدی

همراه با گزیده ای از بهترین آثار شعرای معاصر

(لاهوتی، فرخی بیزدی، ملک الشعراء بهار، شهریار، گلچین کلبلی، پروین اعتصامی، رهی مهیری، توللی و... نیما یوشیج، احمد شاملو، فریدون مشیری، هوشنگ ابتهاج، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری، منوچهر آتشی، فروغ فرخ زاد و محمد رضا شفیعی)

و سررسیدهای دیگر... در آگهی بعد!

طرح و نشر کارنگ، تلفن: ۶۴۰۶۱۸۳